

رسالت بسیج

در تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

مقدمه

بسیج به موازات انقلاب اسلامی، در حالی وارد گام دوم حیات خود شده است که در گام اول حیاتش، نقش آفرینی‌های موفق متعددی در حوزه‌های سخت، نیمه‌سخت، نرم و ترکیبی داشته است. در واقع، بسیج در گام اول انقلاب اسلامی در حوزه‌ها و مسائل مختلف انقلاب و نظام یکی از ارکان و ستون‌های پیش‌برنده و پیش‌رونده بوده است. بر همین اساس، اکنون که انقلاب اسلامی در یک نبرد ترکیبی با دو محور جنگ اقتصادی (تحریم) و جنگ روانی - شناختی (تحریف) درگیر با جبهه‌ی دشمنان می‌باشد، اتکا به تفکر و فرهنگ بسیجی، همچون گذشته می‌تواند ضامن عبور موفق از این شرایط بر ساخته‌ای باشد که جریان تحریم و تحریف ایجاد کرده است. بر این اساس، در متن حاضر تلاش می‌شود تا به این سؤال پاسخ داده شود که بسیج به منظور خنثی‌سازی اقدامات جریان تحریم و تحریف و به منظور امیدآفرینی در کشور چه نقشی می‌تواند و باید داشته باشد؟ فرض اساسی این نوشتار و در عین حال، هدف از آن عبارت است از اینکه بسیج با توجه به جایگاه و پیشینه‌ی درخشانی که دارد، در تلاش برای مقابله با جریان تحریم و تحریف باید بکوشد تا به موفقیت، تثبیت و به منزلت هژمونیک رساندن حل مشکلات موجود با نگاه به درون کمک کند.

۱. چیستی تفکر و فرهنگ بسیجی از دیدگاه امامین انقلاب

«فرهنگ بسیجی، فرهنگ معنویت است، فرهنگ شجاعت است، فرهنگ غیرت است، فرهنگ استقلال و آزادگی است. فرهنگ اسیر خواست خواست‌های حقیر نشدن است، خواست‌های زندگی برای همه مهم است، اما آنچه مهمتر است آرمان‌ها است، ارزش‌ها، هدف است، آنها را باید مقدم داشت» (فرهنگ بسیجی در کلام رهبری، صص ۱۴-۱۱). ایشان در تعریفی جامع‌تر، فرهنگ بسیجی را اینگونه تعریف کرده‌اند: «فرهنگ بسیجی یعنی آن مجموعه‌ی معرفت‌ها و روش‌ها و منش‌هایی که می‌تواند مجموعه‌های عظیمی را در ملت به وجود بیاورد که تضمین‌کننده‌ی حرکت مستقیم و پایدار اسلامی آن ملت باشند. این یک تفکر است» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقدار نمونه بسیج، ۱۳۹۰/۰۹/۰۶).

از دیدگاه امام خمینی (ره) نیز بسیج بسی گسترده‌تر بوده و هویت فرهنگی دارد تا نهادی و ساختاری. از ایشان، «بسیجی» تنها کسی نیست که در این مجموعه یا نهاد تشکیلاتی و سازمانی وارد شده باشد و عضوی از این نهاد قلمداد شود بلکه تمام ضعفای عالم، پابرهنگان درمانده و انسان‌های دربند و مظلوم در برابر دیکتاتورها و ظالمین، «بسیجی» هستند؛ زیرا موجودات آگاه، عاقل، مختار، عدالت‌خواه و ظلم‌ستیز می‌باشند: «قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها و نوکران آنها مطمئن باشند اگر خمینی بیکه و تنها هم بماند به راه خود که راه مبارزه با کفر و ظلم و شرک و بت‌پرستی است ادامه می‌دهد و به یاری خدا در کنار بسیجیان جهان اسلام، این پابرهنگه‌های مغضوب دیکتاتورها، خواب راحت را از دیدگان جهان‌خواران و سرسپردگان که به ستم و ظلم خویش اصرار می‌نمایند سلب خواهد کرد... ملتی که در خط اسلام ناب محمدی (ص) و مخالف با استکبار و پول‌پرستی و تحجرگرایی و مقدس‌نمایی است، باید همه افرادش بسیجی باشد. بسیج میقات پابرهنگان و معراج اندیشه پاک اسلامی است...» (صحیفه امام (ره)، ج ۲۱، ص ۵۲).

آنچه گفته شد، اشاره مختصری بود به تفکر و فرهنگ بسیجی از دیدگاه امامین انقلاب اسلامی که در این مختصر، فرصت اشاره‌ی تفصیلی نیست. با این حال، با توجه به مجموع بیانات امامین انقلاب اسلامی، مهمترین شاخص‌های تفکر و فرهنگ بسیجی عبارت‌اند از:

۱- ولایت‌باور و ولایت‌محور

۲- عمل صالح و پرهیزکاری (خودساختگی و اهل ارتباط با خدا بودن)

۳- ایثار و مقاومت

۴- آگاه، بصیر، زمان‌شناس و موقعیت‌شناس (آرمان‌گرای واقع‌بین)

۵- پیش‌رونده و پیش‌برنده (بن‌بست‌شکن)

۶- مردمی بودن

۷- دارای سعه‌صدر و انتقادپذیر

۸- پاسدار هویت اسلامی ایرانی

۹- امیدوار و امیدآفرین

۱۰- تکلیف‌گرای نتیجه‌محور

از مجموع شاخص‌های تفکر و فرهنگ بسیجی و همچنین کارنامه‌ی عملکرد آن می‌توان استنباط کرد که تفکر و فرهنگ بسیجی، تفکر و فرهنگی نجات‌بخش، فرصت‌ساز و مصونیت‌آفرین است. درواقع، تفکر و فرهنگ بسیجی به مثابه یکی از مهمترین ظرفیت‌های درون‌زای کشور، تفکر و فرهنگی موازنه‌ساز در برابر تهاجم‌های ترکیبی دشمن در شرایط

امروزی است؛ یعنی انقلاب و نظام همانگونه که با اتکا به این تفکر و فرهنگ توانسته است از پیچ‌های متعدد عبور کند، امروز نیز با اتکای به این تفکر و فرهنگ می‌تواند در برابر جریان تحریم و تحریف به موزانه‌سازی بپردازد و از سد آنها عبور کند.

۲. نقش بسیج در گام اول انقلاب اسلامی

بدون شک بسیج از مهمترین نیروهای درون‌زای کشور است که در گام اول انقلاب، در تثبیت، تداوم، ماندگاری، پیشرفت و قدرت‌آفرینی برای انقلاب و نظام اسلامی نقش مؤثر داشته است. به طور خلاصه و در تمهیدی تاریخی باید گفت که بسیج اگرچه در روند شکل‌گیری و تکوین انقلاب اسلامی نمود سازمانی نداشت، اما اعضا و نیروهای آن، بدنه‌ی اصلی مبارزاتی انقلاب را تشکیل می‌دادند و با مجاهدت‌های آنها، تحت رهبری عالی امام خمینی (ره) بود که انقلاب به پیروزی رسید. بعد از پیروزی انقلاب نیز با توجه به شرایط فروپاشی رژیم و در شرایطی که هنوز نظام اسلامی مستقر نشده بود و حتی در مراحل و سال‌های اولیه استقرار نظام، با تشکیل کمیته‌های انقلاب، بسیجیان در قالب تشکلهای محله‌محور و مرکزیت مساجد، ضمن ایجاد امنیت و مقابله با ضدانقلاب، انقلاب را از شرایط دشوار مرحله‌ی استقرار نظام عبور دادند.

با آغاز جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق نیز بسیجیان در خط مقدم جبهه‌های نبرد حق علیه باطل قرار داشتند و شهدای گرانقدری را در این راه تقدیم اسلام و انقلاب کردند. در واقع، در زمان جنگ، با توجه به نقش‌آفرینی‌های مؤثر بسیج در عملیات‌های مختلف، این سازمان توسعه‌ی مناسب یافت و روز به روز بر تعداد اعضای آن افزوده شد. پایه‌ریزی توانمندی‌های بسیج در این دوره صورت می‌گیرد و در همین زمان است که بسیج با کسب توانایی‌های تخصصی، به نیرویی تعیین‌کننده و غیرقابل حذف تبدیل می‌شود.

در برهه‌ی بعد از جنگ هم باتوجه به ضرورت بازسازی ویرانه‌های ناشی از جنگ و پیشبرد امور کشور و به منظور بهره‌گیری از تجربیات بسیجیان در حوزه‌های مهندسی جنگ، این بار آنها در قامت سربازان سازندگی کشور ظاهر شدند و خدمات عمرانی، سازندگی و زیربنایی متعددی را به کشور ارائه دادند. در حقیقت، بعد از پایان جنگ و طرح زمزمه‌هایی مبنی بر انحلال بسیج باتوجه به شرایط جدید کشور، مقام معظم رهبری با انحلال این نهاد عظیم مخالفت کردند و تأکید کردند: «بسیج باید با همان روحیه و شور و قدرت دوران جنگ باقی بماند و جوانان آموزش ببینند و سازماندهی شوند و آمادگی و حضور پیدا کنند.» از این مقطع به بعد بود که بسیج در کنار تلاش برای حفظ آمادگی‌های رزمی و دفاعی، وارد امور سازندگی نیز شد. در واقع، باتوجه به نقش گسترده‌ی عمرانی و لجستیکی بسیجیان در هشت سال دفاع مقدس، رئیس‌جمهور وقت، مرحوم هاشمی رفسنجانی، از سپاه و بسیج درخواست کرد تا در امور سازندگی و بازسازی کشور به دولت کمک کنند. در این مقطع، بسیج با تشکیل قرارگاه‌های سازندگی، تشکیل بنیاد تعاون و تلاش برای اشتغال‌زایی، در امر بازسازی کشور کمک‌های شایانی به دولت وقت انجام داد. درحقیقت اگر حرکت توده‌ای میلیونی در دوران انقلاب را «بسیج سیاسی» بنامیم و حضور بسیجیان در جنگ و دفاع مقدس را «بسیج نظامی»، فعالیت‌های عمرانی - اجتماعی بسیج در مقطع پس از جنگ تحمیلی را می‌توان «بسیج اجتماعی» دانست که مبتنی بر خدمت‌رسانی به مردم در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، عمرانی و حتی بهداشتی بود، به گونه‌ای که بسیجیان در این دوره کارهای مهمی از واکسیناسیون روستائیان برای ریشه‌کنی فلج‌اطفال گرفته تا امور فرهنگی برای آگاه‌سازی مردم از تهاجم فرهنگی دشمنان انجام دادند.

در برهه‌های دیگر که دشمن با روی آوردن به تهدیدات نرم و راه‌اندازی حرکت‌هایی مانند غائله ۱۸ تیر سال ۷۸ و یا فتنه ۸۸ درصدد بود تا انقلاب را زمین‌گیر کند، باز این بسیج بود که توطئه را درک و آن را در نطفه خفه کرد. وقتی هم که دشمن بر توطئه‌هایی چون نفوذ،

ناکارآمد جلوه دادن نظام و... برای از بین بردن عوامل ماندگاری انقلاب متمرکز شد، بسیج کوشید تا با مشارکت در طرح‌هایی چون محرومیت‌زدایی از مناطق محروم، ترویج فرهنگ و روحیه جهادی، هوشیاری و مقابله با نفوذ دشمن و... ماندگاری انقلاب را تضمین کند.

تجربه‌های حضور موفق بسیج در عرصه‌های مختلف دفاع از انقلاب و بالنده‌سازی آن نشان می‌دهد که توانایی‌ها و مأموریت‌های بسیج به مثابه نیروی درون‌زای انقلاب، به فراخور زمان و مقتضیات روز بازسازی شده و بر همین مبنا، بسیج در عرصه‌های مختلف سخت، نیمه‌سخت، نرم، راهبردی و... در پیشروندگی و پیش‌برندگی انقلاب و نظام نقش آفرینی کرده است. بر همین اساس، اکنون که نظام درگیر یک جنگ ترکیبی با دو محور جنگ اقتصادی و جنگ شناختی (با محوریت تحریف حقایق مرتبط با ایران) است که با کارگزاری جریان تحریم و تحریف عملیاتی می‌شود، بسیج برای مقابله و خنثی‌سازی این دو جریان چه نقشی می‌تواند و باید داشته باشد؟ در ادامه به این سؤال پاسخ داده می‌شود.

۳. نقش و کارویژه‌های بسیج در گام دوم انقلاب اسلامی

گام دوم انقلاب اسلامی، گام تمدن‌سازی است؛ به این معنا که در این گام هدف آن است که مقدمات و شرایط لازم برای تحقق تمدن نوین اسلامی فراهم شود و نظام یک گام به فرایند تحقق اهداف تمدنی خود نزدیک شود. طبیعی است که در این گام نیز نیرویی مانند بسیج که در گام اول انقلاب نقش بی‌بدیلی در ایجاد، استقرار، تثبیت، حفظ و ماندگاری انقلاب و نظام داشته است، در گام دوم نیز با توجه به افق تمدنی انقلاب اسلامی نیز کارویژه‌های تعیین‌کننده داشته باشد. مهمترین کارویژه‌های بسیج در گام دوم انقلاب براساس بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی عبارت‌اند از:

۳-۱. امیدآفرینی و ترویج نگاه خوش‌بینانه نسبت به آینده: جریان تحریف حقایق مرتبط با ایران اکنون تلاش می‌کند تا با عملیات روانی - رسانه‌ای ضمن از بین بردن امید در کشور، آینده‌ای تیره‌وتار پیش‌روی ملت ایران ترسیم کند. به طور دقیق‌تر، جریان تحریف با استفاده از رسانه‌ها و فضای مجازی به عنوان ابزار عملیاتی کردن تهدیداتش در «تحریف حقایق و جنگ شناختی» کنونی که یکی از محورهای جنگ هیبریدی (ترکیبی) به منظور القای بن‌بست در کشور است، می‌کوشد تا علیه ایده‌ها، ساختارها، کارگزاران، سیاست‌ها و اقدامات جمهوری اسلامی در ابعاد و سطوح مختلف عملیات روانی - رسانه‌ای وسیع انجام دهد؛ آنها را نزد مردم بی‌اعتبار و فاقد اثربخشی معرفی کند. تلاش‌ها در این زمینه نیز در سه سطح انجام می‌شود؛ در سطح نخست تلاش می‌شود تا صلاحیت و شایستگی کارگزاران انقلابی مورد تردید قرار گیرد. در سطحی عمیق‌تر تلاش دشمن بر این متمرکز است که در صلاحیت، صحت، درستی و کارآمدی سیاست‌های انقلابی اتخاذ شده به وسیله این کارگزاران تردید ایجاد کند و در عمیق‌ترین سطح، دشمن می‌کوشد تا مجموعه قواعد حاکم؛ یعنی قانون اساسی، نظام سیاسی و نهادهای آن نزد بخش عمده مردم و جهت و اعتبار خود را از دست بدهند. به نقش بسیج در چگونگی مقابله با این جریان در ادامه پرداخته می‌شود.

۳-۲. جهاد علمی: علم و پژوهش یکی از بایسته‌ها و نیازهای جدی در گام دوم انقلاب است که علاوه بر مطلوبیت‌های ذاتی، در کاهش فاصله‌ی کشور با کشورهای توسعه‌یافته تأثیرگذار است. امروزه نیز با توجه به دانش‌بنیان شدن اقتصادها، ضرورت توجه به پیشرفت علمی بیش از گذشته است. اهمیت این حوزه بحدی است که رهبری معظم انقلاب تأکید جدی دارند که تا جان در بدن دارند، از حمایت از حرکت علمی کشور لحظه‌ای عقب‌نشینی نمی‌کنند. آنچه در این زمینه اکنون مدنظر است، جهاد علمی به منظور تولید قدرت و رفع وابستگی‌های آسیب‌زا از کشور است که در قالب‌هایی چون فعالیت‌های دانش‌بنیان، توسعه‌ی

مرزهای دانش، حمایت از پژوهشگران و نوآوران و... باید مورد توجه بیشتر سازمان بسیج قرار گیرد.

۳-۳. مقابله با جنگ اقتصادی (تلاش برای خنثی سازی تحریم‌ها): بسیج دستگاه اصلی مقابله با تحریم‌ها نیست، اما به سبب مأموریت‌ها، جایگاه و ماهیت انقلابی‌اش که همواره در خط مقدم مقابله و خنثی سازی تهدیدها و دفع خطرهای کشور و نظام بوده است، در این عرصه نقش آفرینی می‌کند. به این موضوع نیز در ادامه بیشتر پرداخته می‌شود.

۳-۴. ترویج معنویت و اخلاق‌مداری: معنویت و اخلاق جزو سرفصل‌های هفت‌گانه‌ای است که در گام دوم انقلاب باید مورد توجه بیش از پیش قرار بگیرد. در این میان، نقش بسیج به عنوان مولودی معنویت‌پایه، نقش بی‌بدیلی است. در واقع، بسیج به عنوان پشتوانه‌ی اصلی اجتماعی انقلاب که برخاسته از متن توده‌های مردم است، باید در قدم نخست، همانگونه که تاکنون نیز بوده است، معنویت‌محوری و اخلاق‌مداری را سرلوحه‌ی خود قرار دهد.

۳-۵. پاسداری از جهاد کبیر نظام در برابر استکبار: این مهم که عباره اخرای یکی از سرفصل‌های تعیین شده در بیانیه گام دوم؛ یعنی «عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن» است؛ به معنای عدم تبعیت از دشمن است. در واقع، همانگونه که دشمن با امید بستن به تبعیت‌پذیری برخی نخبگان واداده از او، امیدوار است که نظام اسلامی را به اسارتِ تبعیت از خود درآورد، نسخه‌ی مقابله با این شیوه دشمنی، حفظ حساسیت‌ها نسبت به دشمن، او را دشمن دانستن و عدم تبعیت از او و مبارزه با او در تمامی ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... است که «جهاد کبیر» نامیده می‌شود. طبیعتاً مراقبت از نفوذ افراد واداده به درون دستگاه‌های تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی نظام، تطهیر دستگاه‌های نظام از لوث وجود عناصر احتمالی نفوذی، معرفی و شناساندن شخصیت‌های نفوذی به مردم، فراهم کردن زمینه برای حضور حداکثری نیروهای انقلابی و تبعیت‌ناپذیر از دشمن در مصادر امور و در دستگاه‌های

حساس کشور و... می تواند به عنوان مقدمات و شیوه‌هایی برای تقویت جهاد کبیر نظام اسلامی مورد توجه قرار گیرد. روشن است که اینگونه اقداماتی، جزو مأموریت‌های اصلی نیروهای مسلح از جمله سپاه پاسداران محسوب می شود و بسیج باید در این حوزه به نیروهای مسلح کمک کند و در جایگاه معین برای آنها باشد.

۳-۶. مطالبه‌گری در حوزه عدالت: اعم از گفتمان‌سازی انقلابی برای تحقق عدالت تا کمک به تحقق عینی آن از دیگر رسالت‌ها و کارویژه‌های بسیج در گام دوم انقلاب است. اهمیت این موضوع بدان سبب است که بخشی از جریانی که امروز پرچم عدالت را برافراشته است، با تفسیر و تحلیلی ناقص، خواهان عبور از ساختارهای نظام است.

۳-۷. کمک به مبارزه با فساد: مبارزه با فساد به عنوان یکی از عرصه‌هایی که رهبری معظم انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب مشخص کرده‌اند، در تحقق اهداف و افق‌های تعیین شده در گام دوم تأثیر جدی خواهد داشت. ممکن است گفته شود که مبارزه با فساد در زمره مأموریت‌های قوه قضائیه قرار دارد و ارتباط مستقیمی با مأموریت بسیج ندارد، حال آنکه اگرچه در تحلیل نهایی، این قوه قضائیه است که مسئولیت تأمین عدالت و مبارزه با فساد را برعهده دارد، اما به سبب پیچیده، شبکه‌ای شدن و ماهیت توطئه‌گون برخی فسادها در کشور، برخورد با آنها در قدم اول مستلزم رصدهای اطلاعاتی - امنیتی است که جزو مأموریت‌های نیروهای مسلح و از جمله بسیج و سپاه قرار دارد. در این زمینه بسیج، بویژه بخش‌های اطلاعاتی - امنیتی آن می‌توانند در شناسایی و انهدام شبکه‌های فساد و مافیا، شناسایی و دستگیری مفسدان اقتصادی، کشف و مقابله با شاخه‌های برون مرزی فساد در کشور، مقابله با دولت‌های خارجی حامی شبکه‌های فساد در کشور و... همانگونه که در گام اول انقلاب مؤثر بوده‌اند، در گام دوم نیز به تداوم اینگونه فعالیت‌ها بپردازند. ضمن اینکه نباید فراموش کرد که رسالت

دیگر بسیج در حوزه مبارزه با فساد، همانا گفتمان‌سازی و مطالبه‌گری، معرفی مفسدان و... است.

۳-۸. پاسداری از آزادی و استقلال ملی: در راستای خنثی‌سازی اقدامات جریان تحریف، پاساری از آزادی و استقلال ملی اکنون ضرورت جدی دارد؛ زیرا جریان تحریف در تلاشی خاموش و نرم در واقع، برای تئوریزه کردن وابستگی، سلب آزادی در کشور و پذیرش سلطه‌ی خارجی تلاش می‌کند. در واقع، همانگونه که پیش از این و در ارتباط با سپاه هم گفته‌ایم، عوامل مخل استقلال کشور را می‌توان تمامی رسانه‌ها و شخصیت‌هایی دانست که برای «تئوریزه کردن» وابستگی تلاش می‌کنند. می‌توان گفت که مهمترین مفروض آنان نیز این است که چون در شرایط جهانی شدن قرار داریم و از آنجا که جهانی شدن نیرویی گریزناپذیر و مقاومت‌ناپذیر است و طی این فرایند با افزایش نفوذپذیری مرزها مواجه هستیم، پس استقلال دیگر مانند گذشته، ارزش حائزاهمیتی نیست. حال، بسیج در کنار سپاه پاسداران، بویژه بخش‌های فکری - ایدئولوژیک آن و به طور اخص، معاونت سیاسی، در گام دوم انقلاب موظفند تا به مبارزه علمی - گفتمانی با این چنین ایده‌هایی بپردازند و برای بی‌اعتبارسازی، طرد و نفی این دیدگاه‌ها، تلاش کنند. در این زمینه، هم باید اثبات کرد که جهانی شدن، آنگونه که طرفداران آن در ایران فرض می‌کنند، همه‌جا یکسان عمل نکرده و کشورهای مختلف نیز به طور یکسان با آن مواجه نشده‌اند. بهترین مثال در این زمینه، چین است که در عین حساسیت نسبت به حفظ استقلال خود، از جهانی شدن نیز بهره برده است. در عین حال، باید دستاوردها و برکات مختلفی که در سایه‌ی حفظ استقلال کشور ایجاد شده مانند دستاوردهای علمی، دفاعی و... مورد بازگویی قرار گیرد. در حوزه آزادی نیز هم بخش‌های اطلاعاتی - امنیتی بسیج و سپاه وظیفه دارند و هم حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه؛ ابتدا باید با عواملی که در صدد اشغال فضای فکری در کشور هستند مقابله امنیتی بکند و در

ادامه، باید برای ختنی سازی سم پاشی های فکری دشمنان، ترویج ایده های نو و آزادی اندیشه تلاش شود.

۳-۹. جوان گرایی و جوان پروری: بسیج هم نیروی درونزای انقلاب است و هم باید به تربیت و پرورش نیروهای درونزای داخلی کمک کند؛ زیرا کارویژهی بسیج، در کنار سپاه پاسداران، کمک به حفظ انقلاب و دستارودهای آن در تمامی ابعاد و زمینه ها است. به عبارت دیگر، بسیج کارگاه انسان سازی عظیمی است که امروزه باید به تربیت و پرورش نسل جوان به منظور آماده سازی آنها برای بر عهده گرفتن رسالت های خطیر اداری کشور در گام دوم انقلاب پردازد. اهمیت این موضوع بدان سبب است که اکنون کشور در یک گذار برون نسلی قرار دارد که طی آن، شاهد واگذاری مسئولیت ها از نسل انقلاب و جنگ به نسلی هستیم که انقلاب و جنگ را ندیده است. مسلم است که حفظ انقلاب و تداوم آن منوط به انتقال فرهنگ و جامعه پذیری انقلابی به نسل دوم و سوم و جوانان امروزی است تا در پذیرش مسئولیت های خطی اداری کشور، با افق انقلابی پیش بروند.

۳-۱۰. ارائه الگوی مطلوب و موفق از سبک زندگی اسلامی ایرانی: سبک زندگی، از جمله عرصه های حساس و البته سرنوشت ساز در گام دوم انقلاب است که به لحاظ ماهیتی، با عرصه ها و بایسته های دیگری که رهبری معظم انقلاب اسلامی برای گام دوم انقلاب مشخص کرده اند، تفاوت دارد. واقعیت آن است که سبک زندگی بسیجی به عنوان سبکی که تجلی تام زندگی اسلامی ایرانی باشد، اکنون در معرض چالش های جدی قرار دارد. چالش عمده در این حوزه آن است که به موازات ارائه ی سبک ها و مدهای متنوع در نظام ارزشی رقیب، در این حوزه تولیدات و تبیین های روزآمد ارائه نمی شود. با این حال، در سبک زندگی اسلامی ایرانی که بسیج باید نمونه ی تام آن باشد، عناصری از حقیقت وجود دارد که اعتبار و جذابیت آنها همیشگی است و در گام دوم همچنان باید بر این عناصر تأکید شود تا الگوی

جذاب و موفق از سبک زندگی، متناسب با تحولات محیطی ارائه شود. به طور طبیعی در این سبک، همچنان باید بر عناصری چون پرهیز از اسراف و تجمل، ترویج ساده‌زیستی و به حداقل رساندن تشریفات زائد، استفاده از شیوه‌های میان‌بر و کم‌هزینه در مدیریت سازمان و زندگی شخصی، معنویت‌گرایی و دوری از دنیازدگی و... تأکید شود.